

پایگاه تحلیلی - تبیینی
بهرگان

قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ
www.BORHAN.ir

مهری
از دیدگاه
ویدویی
مشور
نیتودویی



آحاد ملت، همه خودی اند

یکی از معیارهای بصیرت که به گذر از فتنه‌ها در هر مقطعی کمک می‌کند، تشخیص این نکته است که کدام خط فکری در صراط مستقیم است و کدام یکی بی‌راهه می‌رود و چرا گروه‌هایی که در صراط مستقیم راه می‌پیمودند، منحرف شدند ...

گروه سیاسی برهان؛ در طول تاریخ بشریت، انسان همواره مورد آزمایش‌های الهی قرار گرفته است. هر دوره‌ی زمانی و هر جامعه‌ای، آزمایش‌های مخصوص به خود را داشت و دارد که به تناسب رشد فکری مردمان شامل حال آنان می‌شود تا بتوانند به مرتبه‌ی بالاتری از انسانیت صعود کنند. هر چه آزمایش و فتنه‌ی سخت‌تری نصیب آن جامعه شود، پیشرفت معنوی بیش‌تری هم نصیب کسانی که در آن امتحان موفق شده‌اند، می‌گردد اما آن کسانی که مردود شده‌اند، به تناسب جایگاه و موقعیتی که در جامعه دارند، دچار سقوط می‌شوند. [۱]

این که هر شخصی در جامعه بتواند تشخیص دهد که کدام خط فکری در صراط مستقیم نیست و کدام خط فکری (ولو با وجود اشتباهات) در صراط مستقیم است، یکی از نکاتی است که به طور قطع به قبولی در آزمایش‌ها و فتنه‌ها کمک می‌کند. در ضمن همواره باید توجه داشته باشیم که ممکن است افراد و جریان‌هایی دچار انحراف شوند و از مسیر اصلی حق جدا گردند.

در این یادداشت، سعی شده با استفاده از نظرات رهبر معظم انقلاب در دوران زعامت ایشان، راجع به جریان‌های مختلف که در این صراط مستقیم هستند یا نیستند اطلاعات بیش‌تری کسب کنیم و بدانیم که چرا گروه‌هایی در صراط مستقیم بودند ولی بعدها منحرف شدند و هم‌چنین وظیفه‌ی ما در قبال هر کدام از آن‌ها چیست؟

خودی و غیر خودی

«خودی» و «غیرخودی» یکی از کلید واژگان مهم رهبر معظم انقلاب است که می‌توانیم برای شناختن کسانی که در صراط مستقیم هستند و یا کسانی که نیستند، استفاده کنیم. سعی کرده‌ایم در ادامه‌ی معرفی شاخص‌های خودی و غیر خودی، صفاتی که شامل این افراد می‌شوند و معیارهای تشخیص آن صفات را بگنجانیم. قبل از ورود به بحث، یک تعریف کلی از «خودی» و «غیرخودی» و لزوم شناخت آن، ضروری به نظر می‌رسد.

خودی و غیر خودی کیست؟

- آحاد ملت، همه خودی‌اند.

خودی‌ها را بیش‌تر بشناسیم

۱. کسانی که اصل نظام را پذیرفته‌اند

- وحدت یکی از اصول است؛ باید آن را حفظ کرد.

- مخاطب حفظ وحدت، ملت نیست؛ ملت متحد است و اختلافی ندارد.

- مخاطب این کار، نخبگان و سیاسیون از جناح‌های مختلف هستند. - سیاسیون به بهانه‌های مختلف و با اختلاف‌های کوچک، در مقابل هم قرار نگیرند و با توجه‌های غلط، علیه هم جنجال راه نیندازند. - کسانی را که برای نظام و انقلاب و اسلام احساس مسؤولیت می‌کنند، خودی بدانید. غیر خودی کسانی هستند که با اصل نظام مخالف‌اند. [۴]

- تظاهر کردن به این مناقشات و عمده کردن چیز کوچکی که مناقشه‌انگیز است، باعث دل سردی مردمی می‌شود که باید از شما حمایت نمایند.

- از همه مهم‌تر، این مناقشات شما را از کارتان باز می‌دارد. [۵] - تأثیر گذاری غریبه فقط این نیست که بیاید مقامی را متصدی شود و به عهده گیرد؛ گاهی غریبه از راه‌های دیگری اعمال نفوذ می‌کند. خودی‌ها نباید اجازه دهند. باید به هم نزدیک شوند تا غریبه‌ها فاصله‌شان با آن‌ها آشکار شود.

- هر چه شما خودی‌ها با هم نزدیک‌تر و مهربان‌تر باشید، غریبه‌ها از شما فاصله‌ی بیش‌تری خواهند گرفت. [۶]

۲. خودی‌های غافل، فریب خورده و به دام افتاده

«جبهه‌ی دشمن، غیر از آن آدم غافلی است که خودی هم هست؛ منتها بی‌چاره دچار غفلت و اشتباه و فریب می‌شود؛ بر اثر حادثه‌ای، عقده و کینه‌ای پیدا می‌کند و در مقابل نظام می‌ایستد؛ در مقابل سخن حق می‌ایستد؛ در مقابل امام و راه امام می‌ایستد. این، آن دشمن اصلی نیست؛ این یک آدم فریب خورده است؛ این یک آدم قابل ترحم است! دشمن اصلی آن کسی است که پشت سر این قرار می‌گیرد، اما خودش را نشان نمی‌دهد.» [۷]

۳. خودی‌های مطلوب دشمن

«دشمن، ایمان شما را سد مستحکم خود می‌بیند و دلش می‌خواهد این سد برداشته شود. حالا عناصری از میان خود ما بیایند و بنا کنند این دیوار را تراشیدن یا سوراخ کردن. این‌ها گرچه خودی هستند، اما دارند برای دشمن کار می‌کنند؛ دشمن هم روی این‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند.» [۸]

۴. خودی‌هایی که دچار اضمحلال درونی شده‌اند؛

خودآگاهی برای شناخت خودی و غیر خودی

- مسؤولان خوب، باتقوا و شجاع هم اگر ندانند امروز صف‌بندی دنیا کجاست و دشمن کجا نشسته است و از کجا حمله می‌کند، ضربه خواهند خورد.

- اگر انسان در میدان جنگ نفهمد که شلیک از طرف دشمن است یا از طرف خودی، همراه می‌شود و نمی‌فهمد باید چه کار کند. ممکن است در مقابل آن شلیک حساسیت به خرج ندهد و یا حتی به طرف خودی شلیک کند.

- امروز خودآگاهی یکی از مهم‌ترین نیازهای مسؤولان کشور ماست. [۳]

«خودی‌ها ممکن است در یک نظام، بر اثر خستگی، بر اثر اشتباه در فهم راه درست، بر اثر مغلوب احساسات نفسانی شدن و بر اثر نگاه کردن به جلوه‌های مادی و بزرگ انگاشتن آن‌ها، ناگهان در درون، دچار آفت‌زدگی شوند.» [۹]

۵. منحرفین از جریان خودی

«بعد از آن که حکمیت بر امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) تحمیل شد، عده‌ای از داخل اردوگاه آن حضرت - این‌ها دیگر خودی بودند؛ از بیرون نبودند - بلند شدند و شعار دادند: «لا حکم الا لله»، یعنی حکومت فقط از آن خداست. آری؛ معلوم است و در قرآن هم هست که حکومت از آن خداست؛ اما این‌ها چه می‌خواستند بگویند؟ این‌ها می‌خواستند با این شعار، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را از حکومت خلع کنند. آن حضرت، نقشه‌ی آن‌ها را افشا کرد و گفت حکم و حکومت مال خداست؛ اما این‌ها این را نمی‌خواهند بگویند. این‌ها می‌خواهند بگویند «لا امره»؛ می‌خواهند بگویند بایستی خدا بیاید مجسم شود و امور زندگی شما را اداره کند. یعنی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نباشد! این شعار، عده‌ای را از اردوگاه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) خارج کرد و به آن جماعت بدبخت نادان غافل ظاهر بین و احياناً مغرض، ملحق نمود و قضیه‌ی خوارچ به وجود آمد.» [۱۰]

صفات خودی‌ها

۱. بصیرت

«انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی‌های شرایط زمانه را درک کند. مسأله این جور ساده نیست که یکی را رد کنیم؛ یکی را اثبات کنیم؛ یکی را قبول کنیم؛ این جوری نمی‌شود. باید دقیق باشید، باید شور انقلابی را حفظ کنید، باید با مشکلات هم بسازید، باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مأیوس نشوید، در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلایی یک چیز لازمی است.» [۱۱]

۲. جهت‌گیری انقلابی

«وظیفه‌ای بر دوش همگان سنگینی می‌کند و آن حفظ این امانت بزرگ الهی است. مردم باید خودشان را حافظ این انقلاب بدانند. انقلاب هویتش، معنایش به شعارهای انقلاب است؛ به جهت‌گیری‌های انقلاب است؛ به ارزش‌ها و مبانی انقلاب است. همیشه بوده‌اند، امروز

هم هستند، در آینده هم خواهند بود کسانی که بخواهند به بهانه‌ی این که اوضاع جهان عوض شده است، شعارهای انقلاب را تغییر بدهند یا شعار دینی - بعد دینی - را از انقلاب جدا کنند یا بعد عدالت اجتماعی را از انقلاب جدا کنند یا بعد سلطه‌ستیزی و بیگانه‌ستیزی را از انقلاب جدا کنند یا بعد ضد استبداد بودن را از انقلاب جدا کنند. انگیزه‌های مختلف، به بهانه‌های مختلف همیشه ممکن است وارد میدان شوند، برای این که شعارهای انقلاب و هدف‌های انقلاب را تغییر دهند. مردم باید هوشیار باشند؛ بدانند. این انقلاب با شعارهای خود زنده است. اصلی‌ترین شعارهایی که در این انقلاب بر روی پرچم انقلاب نوشته شده است، شعار اسلامی بودن است؛ پای بند بودن به مبانی دین و اصول و قواعد دینی است؛ سلطه‌ستیزی است؛ ستیزی با استکبار است؛ دفاع از مظلومان عالم است، آن هم دفاع صریح و صادقانه‌ی از همه‌ی مظلومان.» [۱۲]

۳. تقوای سیاسی

«تقوای سیاسی؛ یعنی هر کس که در کار سیاست است، سعی کند با مسایل سیاسی صادقانه و دردمندانه و از روی دل‌سوزی برخورد کند. سیاست به معنای پشت هم اندازی و فریب و دروغ گفتن به افکار عمومی مردم، مطلوب اسلام نیست. سیاست یعنی اداری درست جامعه؛ این جزو دین است. تقوای سیاسی، یعنی انسان در میدان سیاست، صادقانه عمل کند.» [۱۳]

۴. نقد منصفانه

«من نگرانی‌ام از این نیست که حرفی زده شود، از کسی انتقاد شود؛ نه. یک نفر انتقاد می‌کند، یک نفر هم جواب می‌دهد. نگرانی من از رایج شدن اخلاق بی‌انصافی در جامعه است. خدمات فراوانی انجام می‌گیرد، انسان همه را کنار بگذارد، به نقطه‌ای بچسبد، این درست نیست. البته این خطاب به همه است. این را ما به شخص خاصی، به گروه خاصی، به جناح خاصی عرض نمی‌کنیم، این را به همه عرض می‌کنیم. همه مراقب باشند یک‌دیگر را تخریب نکنند. این فضای تخریب، فضای خوبی نیست. مردم هم خوششان نمی‌آید. من این را حالا در حضور شما مردم به آن حضرات می‌گویم: اگر شما خیال می‌کنید که شما بیابید بنشینید و فلان مسؤول یا فلان جریان را مذمت کنید، مردم لذت می‌برند و خوششان می‌آید، اشتباه می‌کنید. مردم از فضای تخریب خوششان نمی‌آید.» [۱۴]

۵. انضباط قانونی

- همه باید آن کاری را که برحسب قانون بر عهده‌ی آن‌هاست، خوب، کامل و سالم انجام دهند. [۱۵]
- اگر ما قانونی می‌گذاریم که روح قانون‌پذیری را در مردم تقویت می‌کند، این خوب است؛ اگر بالعکس، قانونی می‌گذاریم که روح قانون‌شکنی و بی‌اعتنایی به قانون را در مردم به وجود می‌آورد - ولو به طور غیر مستقیم - این مرجوح است. [۱۶]

۶. جذب حداکثری و دفع حداقلی

- مخالفین نظراتی دارند، نظرات خودشان را بیان می‌کنند و نظام هم بنای بر خورد ندارد. در این جا بنای نظام جذب حداکثری و دفع حداقلی است.
- اما کسانی با مبانی نظام معارضه می‌کنند و با امنیت مردم مخالفت می‌کنند؛ در این جا نظام مجبور است در مقابل او بایستد. [۱۷]

۷. دشمن‌شناسی

- این راهی که ملت ایران می‌خواهد برود، یک راه آسفالته‌ی بی‌مانع نیست؛ ما در این راه چالش هم داریم. ما دو دشمن بزرگ داریم.
- ما دو دشمن داریم: یک دشمن، دشمن درونی است؛ یک دشمن، دشمن بیرونی است. دشمن درونی خطرناک‌تر است.
- دشمن درونی خصلت‌های بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی، خودخواهی‌های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود - نه به شخص خود و نه به ملت خود - این‌ها بیماری است.
- همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران سعی کرده‌اند این میکروب‌ها را در درون جامعه‌ی ایرانی رسوخ دهند: «شما نمی‌توانید»، «شما قادر نیستید»، «آینده‌تان تاریک است»، «فقتان تیره است»، «بیچاره شدید»، «پدرتان درآمد». سعی این بوده است که ملت ما را ناامید، کسل، بی‌اعتماد به نفس،

تنبیل و چشم به دست بیگانه بار بیاورند؛ این‌ها دشمنان درونی هستند. دشمن بیرونی عبارت است از نظام سلطه‌ی بین‌المللی؛ یعنی همان چیزی که به او می‌گوییم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه‌گران و سلطه‌پذیران تقسیم می‌کند.

اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه‌گران از منافع خود دفاع کند، سلطه‌گران آن ملت دشمنی می‌کنند؛ روی او فشار می‌آورند و سعی می‌کنند مقاومت او را در هم بشکنند. این، دشمن یک ملتی است که می‌خواهد مستقل، عزت‌مند، آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه‌گران نرود؛ این دشمن بیرونی است. [۱۸]

۸. وحدت کلمه

- آن چه که من، امروز برای کشورمان مثل گذشته از همه چیز لازم‌تر می‌دانم، «وحدت کلمه»ی آحاد ملت و وحدت کلمه‌ی نخبگان و مسؤولان در مبانی اصولی است. یکی از چیزهایی که برای کشور ما حقیقتاً مهم است این است که مردم احساس امنیت سیاسی و روانی بکنند؛ فضای روانی جامعه دچار التهاب نباشد. سعی می‌کنند التهاب آفرینی کنند؛ این هست. این، جزو سیاست‌های مخالفان نظام جمهوری اسلامی است البته خود ما هم گاهی اوقات، نادانسته این التهاب‌ها را افزایش می‌دهیم.

- مردم نگاه می‌کنند به بعضی از گفت‌وگوها و بگو مگوهای بی‌جا و بی‌مورد که گاهی در بین نخبگان سیاسی مشاهده می‌شود؛ نگاه مردم نگاه رضایت‌مندانه نیست. این را ما از مراجعات مردم به خوبی می‌فهمیم. [۱۹]

۱. کسانی که محیط کشور را متشنج می‌کنند

- اگر نتواند تشنج عملی هم به‌وجود آورد، محیط تشنج فکری و ذهنی و بحران‌سازی مصنوعی می‌کند. این دست‌ها، دست‌های خودمی نیستند؛ دست‌های خودی‌ها نیستند؛ دست‌های بیگانه و دست‌های خائن‌اند. [۲۰]
- چیزهایی که حاکی از حضور و پیوند مردم با دستگاه‌ها و با دولت و با نظام است، سعی می‌کنند این‌ها را کم رنگ کنند؛ خودی‌ها مبدا این کار را بکنند؛ قلم‌ها مبدا این کار را بکنند؛ مبدا حرف‌هایی را منعکس کنند که به دروغ نشانه‌ی دل سردی باشد، تا شاید آن دل سردی روی کسی که این مطالب را می‌خواند، تأثیر بگذارد و او را هم دل سرد بکند؛ این کارها به سود دشمن است. [۲۱]

۲. ایستادن در کنار سر دهندگان شعار «دین منهای حکومت»

- عده‌ای اسم اسلام را می‌خواهند و اسم اسلام را دوست می‌دارند. دشمن اسلام به آن معنا هم نیستند؛ اما مطلقاً اعتقادی به فقه اسلامی، به احکام اسلامی و به حاکمیت اسلامی ندارند. معتقد به همان روش‌های فردی‌اند.
- این‌ها دم از اصلاح می‌زنند؛ گاهی دم از اسلام هم می‌زنند؛ اما در کنار کسانی قرار می‌گیرند که صریحاً علیه اسلام شعار می‌دهند و با آن‌ها اظهار همبستگی می‌کنند! گاهی دم از اسلام می‌زنند، اما در کنار کسانی قرار می‌گیرند که شعار ضدیت با حکومت اسلامی، شعار سکولاریزم و حکومت منهای دین و حکومت غیردینی و حکومت ضد دینی و لایسیم را می‌دهند؛ پیداست که این‌ها نفوذی‌اند. [۲۲]

۳. کسانی که حرف غیر خودی‌ها را تکرار می‌کنند

- ما بیاییم با کسانی که نظام را قبول ندارند و عازم بر معارضه‌ی با نظام‌اند، روزبه‌روز مرزهای خود را کم رنگ کنیم و دایماً با خودی‌ها به جان هم بیفتیم! این درست نیست.
- معنای غیر خودی این نیست که او نباید در این کشور زندگی کند؛ نه. غیر خودی هم زندگی کند؛ منتها معلوم شود که او با نظام میانه‌ای ندارد؛ برای این که او در مواردی منشأ اثر خواهد بود. مرز حفظ شود، حرف او تکرار نشود، کار او مورد تأیید قرار نگیرد. این اساس قضیه است. [۲۳]

۴. غریبه‌ها در لباس خودی

«شعارهای انقلاب را که پرچم‌های راهنما در راه اعتلا و سربلندی و آبادانی این کشور است، گرامی بدارید و با همه‌ی وجود از آن دفاع کنید و سهل انگاری نسبت به آن را از بیگانگانی که احیاناً به لباس خودی در می‌آیند و با زبان خودی سخن می‌گویند، تحمل نکنید.» [۲۴]

غیر خودی‌ها را بیش‌تر بشناسیم

صفات غیر خودی‌ها

۱. خیانت ملی

تخریب‌کنندگان دولت قانونی «رمز موفقیت دولت و قوه‌ی قضاییه و مقننه، در پشتیبانی قاطبه‌ی ملت از آن‌هاست. هر حرکت و گفتاری که روح اعتماد مردم به این قوا و کارگزاران آن را متزلزل و در این پشتیبانی، اندک خللی وارد سازد، حرام شرعی و خیانت ملی است.» [۲۵]

فاسدان مالی و اداری

«از جمله‌ی شاخص‌ها، مسأله‌ی «مبارزه‌ی با فساد» است؛ فساد اداری و مالی، جزو بدترین عوارض است. این، از همان مواردی است که مراکز بین‌المللی تأیید کرده‌اند که در این یک سال و نیم اخیر، رتبه‌ی کشور در مبارزه‌ی با فساد بالا آمده است و در این زمینه پیشرفت‌هایی وجود داشته است البته ما به این قانع نیستیم. بایستی فساد اداری و مالی و خیانت در امانت‌های ملی در کشور ریشه‌کن شود.» [۲۶]

مرعوبین استکبار

«می‌خواهند با مطرح کردن نام جنگ و تهدید به جنگ، ملت و در درجه‌ی اول مسؤولان را مرعوب و وادار کنند که در مقابل آن‌ها تسلیم شوند؛ منافع آن‌ها را تأمین نمایند و به ملت خود خیانت کنند. این را بدانند که در میان مسؤولان کشور و در قوای سه‌گانه، هیچ کس نمی‌تواند اندک انگیزه‌ای داشته باشد برای این که ملت ایران و مصالح او را تسلیم دشمن بیگانه کند. اگر کسی در جهت تسلیم منافع ملی و ملت ایران به دشمن حرکت کند، ملت او را با نهایت بی‌رحمی کنار خواهد زد.» [۲۷]

کسانی که قصد مذاکره با سلطه‌گران دارند

این‌که بعضی بردارند طبق میل دل کارشناسان سیای آمریکا، دم از نزدیکی و مذاکره و ارتباط بزنند و فضا را عادی سازی کنند، این بزرگ‌ترین توهین و خیانت به این مردم است. اگر قرار است سخن از رفع دشمنی دشمنان سوگند خورده بر زبان آورد، باید آن روزی باشد که این کشور از لحاظ اقتصادی پایه‌های خودش را مستحکم کرده باشد؛ محرومیت‌ها را رفع کرده باشد؛ این نسبت بی‌کاری را از بین برده باشد؛ آینده‌ی جوان‌ها را روشن کرده باشد؛ جوان تحصیل کرده و فارغ‌التحصیل دغدغه‌ی معاش و دغدغه‌ی کار نداشته باشد؛ از لحاظ مسایل فرهنگی این کشور بتواند هنرمندانی تربیت کند که بر طبق منافع و مصالح ملی، سینمای کشور را اداره کنند؛ هنر کشور را اداره کنند؛ مطبوعات کشور را اداره کنند. اگر این طور شد، آن وقت نوبت این خواهد رسید که برای رفع دشمنی فکر کنیم؛ والا در غیر آن صورت، هر گونه نزدیک شدن به دشمن، هر گونه نرمش نشان دادن در مقابل دشمن، تیز کردن آتش دشمنی و دستگیری دشمن است. [۲۸]

القای ناامیدی به جوانان در خصوص آینده

«اگر کسی دستگاه‌های مسؤول در کشور را با دروغ، با بیان مطالب خلاف و یا بیان نکردن بخش‌های مهمی از حقیقت، طوری معرفی کند که برای جوانی که در دانشگاه درس می‌خواند، برای جوانی که در کارگاه کار می‌کند، اصلاً امید و نشاطی به آینده باقی نماند - بگوید آقا، چه فایده دارد ما کار کنیم - این خیانت نیست؟» [۲۹]

۲. یارگیری دشمن

همیشه این طور نیست که خودی‌ها به خاطر ضعف‌های درونی به سمت دشمن و مطابق میل دشمن عمل کنند. گاهی اوقات دشمن مترصد یارگیری است. دشمن برای افراد خاصی

دشمن‌ها را بشناسیم به چه کسانی است؟

در دکتورین مقام معظم رهبری دایره خودی به وسعت آحاد ملت فراخ و گسترده است و تنها کسانی که به جای مپائی اعتقادی ملت و منافع ملی، دل در گرو دشمن دارند در دایره غیر خودی می‌گنجد...



برنامه‌ریزی می‌کند و آن‌ها را یار خود می‌پندارد. از آن جمله‌اند:

کسانی که خلاف مصلحت امت اسلامی موضع می‌گیرند

«دشمن صهیونیستی در مقابل یک میلیارد و نیم مسلمان عددی نیست و به حساب نمی‌آید. اختلاف در دنیای اسلام - این ضعفی که در درون دنیای اسلام است - موجب می‌شود که دشمن ضعیف بتواند راه خود را پیدا کند، یارگیری کند، از بین برادران مسلمان دشمن برای خود یارگیری کند.» [۳۰]

خودی‌های غافل

- چشم امید دشمن به کسانی است که در داخل هستند؛ منتها برای یارگیری و سربازگیری، دشمن روش‌های گوناگونی دارد.
- این‌طور نیست که همه‌ی کسانی که به دشمن کمک می‌کنند، کسانی باشند که دشمن را شناخته‌اند و نقشه‌ی کلی و مهندسی کلان او را نسبت به نظام دانسته‌اند و عالماً و عامداً به او کمک می‌کنند؛ نه، عده‌ای هم هستند که اگر به آن‌ها گفته شود شما دارید به دشمن کمک می‌کنید، حاضران یقه‌ی خودشان و شما را بگیرند و پاره کنند و بگویند این حرف‌ها چیست! این‌ها واقعاً هم با دشمن مخالف و بدند. اگر شما مهندسی کلی و کلان نظام را در نظر داشته باشید، از این پرهیز خواهد شد.
- هر کس متوجه و مراقب خود و رفتارش باشد، از این که نادانسته و ناخواسته کمک دشمن باشد، پرهیز خواهد کرد. [۳۱]

۳. دنبال‌کنندگان انشقاق

«انشقاق و انشقاق و دو دسته شدن خطرناک است؛ یکی به خاطر یک فکری از مجموعه‌ای جدا بشود، باز یکی دیگر از آن طرف به خاطر یک فکر دیگر جدا بشود؛ در حالی که این فکرها ممکن است درست هم باشد، اما آن قدر اهمیت نداشته باشد که انسان این یک‌پارچگی را به خاطر آن به هم بزند.» [۳۲]

۴. مدیریت ناسالم

«وقتی امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) در رأس حکومت قرار می‌گیرد، تمام شاخه‌های مدیریت در جامعه، به طرف صلاح حرکت می‌کند؛ به طوری که اگر یک گوشه از مجموعه‌ی این دستگاه مدیریت، ناسالم و ناپاک و غیرمنطبق با معیارها باشد، برای قطع و قلع و قمع آن، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) جنگ چندین ماهه را بر خودش هموار می‌کند. یعنی مجموعه‌ی دستگاه مدیریت کشور، باید علوی باشد.» [۳۳]

۵. نخبگان خطاکار

چرا نخبگان خطاکار می‌شوند؟

«این که کسانی از ممشا و روش قبلی خودشان برگردند، چیزی نیست که خیلی غریب و بی‌سابقه باشد؛ بالاخره انسان در معرض تغییرهای گوناگونی است و عواملی هم گاهی این تغییر را زمینه‌سازی می‌کنند و یا سرعت می‌بخشند: منافع دنیوی هست، منافع شخصی هست، حبّ و بغض‌ها هست. این کسانی که از راه درست منحرف می‌شوند، اگر فرض کنیم که این افراد واقعا از آن طریق مستقیم انقلاب و معارف انقلاب و بیّنات انقلاب انحراف پیدا کرده باشند، عواملش غالباً همین چیزهاست. البته کج‌فهمی‌ها هست، مواجه شدن با برخی از نابسامانی‌ها هست؛ همه‌ی این‌ها عواملی است که تأثیر می‌گذارد.» [۳۴]

هزینه‌ی خطای نخبگان بیش‌تر از مردم است

«نخبگان که حالا انتظار هست که کم‌تر خطا کنند، گاهی خطاهایشان اگر کم‌تر باشد، بیشتر نباشد، کیفی‌بیش‌تر از خطاهای عامه‌ی مردم است - بر اثر بی‌بصیرتی است؛ خیلی‌ها، نمی‌گوئیم همه‌اش.» [۳۵]

چگونه نخبگان آگاه شوند؟

«آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار می‌کند، به مجردی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که یک جهت‌گیری‌ای علیه این اصول به وجود بیاید، فوراً متنبه می‌شود.» [۳۶]

۶. فضای سوءظن

اهمیت اخلاق از عمل بیش‌تر است

«به اخلاق خودمان هم برسیم. اخلاق اهمیتش از عمل هم بیش‌تر است.»

فضای جامعه را فضای برادری، مهربانی، حسن ظن قرار بدهیم. من هیچ موافق نیستم با این که فضای جامعه را فضای سوءظن و فضای بدگمانی قرار بدهیم. این عادات را از خودمان باید دور کنیم.» [۳۷]

رسانه‌ها به فضای سوءظن دامن نزنند

«مجادلات سیاسی برای کشور زیان بار است. نه فقط امروز که دشمن ما را تهدید می‌کند، بلکه همیشه مضر است؛ برای سازندگی و راه‌انداختن چرخ‌های اقتصادی مضر است. اگر بعضی‌ها هر روزی به نحوی مسأله‌ی جدیدی درست کنند و افکار عمومی را متوجه به یک مسأله‌ی موهوم کنند، این‌ها به ضرر کشور است.» [۳۸]

۷. فتنه‌سازی

«دشمنان ملت از شفاف بودن فضا ناراحت‌اند؛ فضای شفاف را بر نمی‌تابند؛ فضای غبارآلود را می‌خواهند. در فضای غبارآلود است که می‌توانند به مقاصد خودشان نزدیک شوند و به حرکت ملت ایران ضربه بزنند. فضای غبارآلود، همان فتنه است. فتنه معنایش این است که یک عده‌ای بیایند با ظاهر دوست و باطن دشمن وارد میدان شوند، فضا را غبارآلود کنند؛ در این فضای غبارآلود، دشمن صریح بتواند چهره‌ی خودش را پنهان کند، وارد میدان شود و ضربه بزند.» [۳۹]

۸. سیاسی‌کاری و سیاسی‌بازی

- این سیاسی‌بازی‌ها و سیاسی‌کاری‌های متعارف نیست؛ این‌ها خلاف عقل است.
- عقل آن چیزی است که راه عبادت خدا را هموار می‌کند.
- شاخص برای ما، بین خودمان و خدا، این است که نگاه کنیم ببینیم در بیان این حرف اخلاص داریم یا نه؟ به فکر خداییم یا نه؟ من دارم برای خاطر خدا، رضای خدا حرف می‌زنم یا برای خاطر جلب توجه شما دارم حرف می‌زنم؟ برای خاطر خداست یا برای خاطر دل مستمع و غیر مستمع است؟ [۴۰]

۹. برخورد غیرفکری با یک فکر غلط

«یکی از چیزهایی که به پا گرفتن فکر غلط کمک می‌کند، برخورد غیرفکری با آن است. بعضی‌ها خوششان می‌آید که یک حرف بی‌ربط مهملی بزنند، بعد به جای این که یک نفر بلند شود، در مقابلشان بایستد و بگوید این حرف شما به این دلایل، باطل است، یک نفر بلند شود و فحششان بدهد! از خدا می‌خواهند! چون تکلف استدلال، از روی دوششان برداشته می‌شود و راحت می‌شوند؛ در موضع مظلومیت و حق به‌جانبی می‌گویند بله، نمی‌گذارند ما حرف بزنیم! حالا هم می‌بینید که بعضی‌ها حرف مهملی را می‌زنند، هیچ کس هم در مقابل، هیچ چیز نمی‌گوید، ولی فوراً داد می‌زنند که آقا، نمی‌گذارند ما حرف بزنیم! نه آقا، کی نمی‌گذارند؟ حرفت را بزن؛ کسی که جلوی حرف را نگرفته است.» [۴۱]

نتیجه‌گیری

سال‌هایی که در آن زندگی می‌کنیم، آستن حوادث فتنه‌گون بسیاری است. فتنه طراحی شده‌ای از سوی دشمن که ملت ایران در سال ۸۸ با موفقیت از آن عبور کرد و فتنه‌ی سختی که علما و بزرگان خبر از آن می‌دهند و ممکن است فتنه‌های عظیم بسیار دیگری در پی داشته باشد!
به طور قطع بالا بردن بصیرت در شناخت سره از ناسره و بصیرت‌پراکنی در این شرایط، از جمله وظایف شیعیان است. باید توجه داشته باشیم که برای این که همواره گوش به فرمان ولی فقیه زمانه باشیم، نیاز داریم تا در فرمایشات ایشان تأمل کنیم و راه مستقیم را از راه انحرافی بازشناسیم.
یکی از بزرگ‌ترین ضرباتی که در طول تاریخ به شیعیان خورده است، به دلیل افراط و تفریط در دفاع از ولایت بوده است؛ در حالی که دفاع واقعی از ولایت یعنی همگام، همراه و گوش به فرمان ولایت بودن در تمامی لحظه‌ها؛ اگر زمانی مانند دوران امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) دستور صلح صادر شد، بدون کوچک‌ترین شکی آن را بپذیریم و اگر زمانی مانند دوران امام حسین (علیه‌السلام) دستور جهاد و جانبازی داده شد، با آغوشی باز از آن استقبال کنیم.
در شرایط کنونی هم باید همواره توجه داشته باشیم که اگر ولی فقیه زمانه، دستور به سکوت دادند ولو این که انحرافات در برخی جریان‌ها حس کنیم، فرمان او را بپذیریم و اگر روزی دستور تبیین حقیقت دادند، تمام تلاش خود را برای پیروی از ایشان به کار گیریم.
اما تبیین حقیقت در شرایط غبارآلود فتنه، به سادگی امکان‌پذیر نیست.

- [۱۱]- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹
- [۱۲]- بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم نوزدهمین سالگرد از تحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷/۳/۱۴
- [۱۳]- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه‌ی سراسر کشور، ۱۳۸۱/۵/۵
- [۱۴]- بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۷/۶/۳۰
- [۱۵]- بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱۲/۲۲
- [۱۶]- بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۴/۳
- [۱۷]- خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۸/۶/۳۰
- [۱۸]- بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته‌ی بسیج، ۱۳۷۶/۹/۵
- [۱۹]- بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۷/۶/۳۰
- [۲۰]- بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۸/۱۰/۱۸
- [۲۱]- سخنرانی در دیدار با فضلا، طلاب و ائمه‌ی مختلف مردم قم، به مناسبت سالگرد قیام نوزدهم دی‌ماه، ۱۳۷۰/۱۰/۱۹
- [۲۲]- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۹/۲/۲۳
- [۲۳]- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۰/۶/۱۵
- [۲۴]- پیام به مناسبت گردهمایی مسؤولان انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌ها، ۱۳۷۷/۵/۱۰
- [۲۵]- پیام به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مردم ایران درباره‌ی حفظ وحدت و یک‌پارچگی، حمایت از دولت، جایگاه مجلس شورای اسلامی و دفاع از اصل ولایت فقیه، ۱۳۶۸/۱۰/۱۸
- [۲۶]- دیدار با مردم گرمسار، ۱۳۸۵/۸/۲۱
- [۲۷]- بیانات در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲/۳/۱۴
- [۲۸]- بیانات در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل، ۹۱۰۵۰۵/۱۳۷۹
- [۲۹]- بیانات در دیدار جمعی از جهادگران جهاد سازندگی، ۱۳۷۷/۷/۱۵۰۷
- [۳۰]- بیانات در سالروز ولادت حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، ۱۵۰۴/۱۳۸۸
- [۳۱]- بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴/۲۰/۸
- [۳۲]- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانش‌جویی دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۶/۲/۳۱
- [۳۳]- سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۳۶۹/۴/۲۰
- [۳۴]- بیانات در جلسه‌ی پرسش و پاسخ با مدیران مسؤول و سردبیران نشریات دانش‌جویی، ۱۳۷۷/۱۲/۴
- [۳۵]- بیانات در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر، ۱۳۸۸/۵/۱۸
- [۳۶]- بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۸/۹/۲۲
- [۳۷]- خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۸/۶/۲۹
- [۳۸]- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۱/۱/۱۶
- [۳۹]- دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۸/۱۰/۲۹
- [۴۰]- بیانات در سالروز عید سعید میثاق، ۱۳۸۸/۴/۲۹
- [۴۱]- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، ۱۳۷۷/۱۲/۱۵

باید معیارها و شاخص‌های ولایت تا عمق جانمان نفوذ کرده باشد و بدون ذره‌ای حب و بغض شخصی نسبت به انسان‌ها و گروه‌های دیگر بررسی لازم را انجام دهیم. شاخص‌های خودی و غیرخودی در کنار صفات آنان، همواره باید در خاطرمان باشد. بدانیم کسانی که اصل نظام را پذیرفته‌اند (ولو با وجود اشتباهات) خودی هستند. به خاطر داشته باشیم که «وحدت» مهم‌ترین نیاز کشور است و کسانی که چه با اعمال خود و چه با رسانه‌های خود به فضای سوءظن و اختلافات دامن می‌زنند، خودی نیستند. بدانیم که اگر کسی حرف بیپوده‌ای زده، راه برخورد با آن «نقد» است و «رایه‌ی برهان» و نه هتاک و فحاشی و یا حتی موضع‌گیری سخت! زیرا کسی که حرف بیپوده زده، بار «تکلف استدلال» از روی دوشش برداشته می‌شود و مظلوم‌نمایی می‌کند. مراقب کسانی باشیم که به خاطر «سیاسی‌کاری و سیاسی‌بازی» خود طرفدار ولایت فقیه شده‌اند. هم‌چنین بدانیم که دفاع ما از ولایت اگر با بصیرت و هوشمندی همراه نباشد، ممکن است به ضرر ولی فقیه تمام شود؛ پس بصیرت، بصیرت، بصیرت...

- [۱]- برگرفته از سخنان رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۸/۴/۲۹
- [۲]- خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران به امامت مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۰۵/۰۸
- [۳]- بیانات در دیدار ائمه‌ی مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی ماه، سالروز قیام مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹
- [۴]- بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵
- [۵]- بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱
- [۶]- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۸/۰۷/۰۹
- [۷]- خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۸/۰۹/۲۶
- [۸]- بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۲
- [۹]- بیانات در دیدار سپاه پاسداران و نیروی انتظامی، به مناسبت سوم شعبان، ۱۳۷۷/۱۱/۰۶
- [۱۰]- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۹/۰۷/۲۶

